

## بسم الله الرحمن الرحيم

### نهاد دولت‌های حاشیه بحر سرخ؛ پروژه آمریکایی برای ایجاد یک تشکل مزدور



(ترجمه)

عربستان سعودی به تاریخ 12 دسامبر 2018م طرحی را ارائه داشت که به ایجاد آنچه را نهاد دولت‌های بحر سرخ و خلیج عدن می‌نامند، فراخوان می‌داد. این نهاد از هفت کشور ساحلی بحر سرخ و یا نزدیک به آن تشکیل شده است؛ از جمله: عربستان سعودی، مصر، اردن، سودان، یمن، جیبوتی و سومالیا. اهداف این پروژه-با توجه به بیانیه پایانی نشست وزرای این هفت کشور، که در ریاض، پایتخت عربستان برگزار شده بود- این موارد عنوان شده است: ایجاد همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، محیط زیستی و امنیتی حوزه بحر سرخ و خلیج عدن و هم‌چنان جلوگیری از هر نوع قوت خارجی که خواسته باشند کدام نقش منفی را در این منطقه استراتژیک بازی نمایند، برای تحقق ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی.

مقدمات راه‌اندازی این پروژه سال گذشته در مصر، در 11 و 12 دسامبر 2017م در نظر گرفته شده بود؛ هنگامی که هیئت‌های از این هفت کشور به قاهره آمدند و جلسه مقدماتی را تشکیل داده و در آن سر احتمال راه‌اندازی این پروژه با هم گفتگو نمودند.

از طریق بحر سرخ و خلیج عدن 13 درصد از کل تجارت جهان، نزدیک به 2.4 تریلیون دلار عبور می‌کند. این بحر آبراه‌های مدیترانه و اقیانوس هند را متصل می‌کند و همان‌طور از طریق کانال سوئز و تنگه عدن-کوتاه‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و سریع‌ترین مسیر دریایی- این بحر، اروپا، آسیا و آفریقا را باهم متصل می‌سازد. این منطقه علاوه بر موقعیت استراتژیک آن، در زمینه تسلط نظامی بالای مهم‌ترین سواحل قاره‌ای، بدون شک نیز یکی از جمله مهم‌ترین بندرهای تسلط بالای تجارت جهانی و کشتی‌رانی جهانی به شمار می‌رود.

از جمله دولت‌های حاشیة بحر سرخ و یا نزدیک به آن، "اریتره" که دارای جزیره‌ای در بحر سرخ بوده و خطی به مساحت 1150 کیلومتری از سواحل افریقای بحر سرخ را دارا می‌باشد، "اتیوپی" که دارای کدام گذرگاه دریایی نبوده، بلکه از نظر تعداد جمعیت و نفوذ در شاخ افریقا بزرگ‌ترین دولت محسوب می‌شود و همان‌طور "دولت یهودی" در این شکل شرکت نموده اند.

روشن است که این شکل هفت‌بعدی یک پروژه امریکایی می‌باشد، مهم‌ترین دولت‌های مؤسس و تأمین‌کننده‌ای بودجه این پروژه، دولت‌های وابسته به امریکا می‌باشند؛ مانند عربستان سعودی، مصر، سودان و سومالی که تحت تسلط بیشتر امریکا قرار دارد و همچنین یمن؛ اگرچه حکومت آن وابسته به انگلیس است، از طرف دیگر مخلص و فرمانبردار عربستان سعودی می‌باشد. همان‌گونه اردن هرچند که وابسته به انگلیس است و جیبوتی هرچند که وابسته به فرانسه است، هر دو از ورود به این شکل امریکایی سود می‌برند. این از لحاظ وابستگی دولت‌های فعال در این شکل به امریکا می‌باشد؛ اما از نظر این که این یک ایده امریکایی است، دو مورد ذیل را به عنوان دلیل یاد آور می‌شویم:

اول) اداره حکومت ترامپ چندین بار به ایجاد تشکلات نظامی و امنیتی مانند تشکیل ناتوی عربی در برابر آنچه را که از روی فریب‌خوردگی دشمن منطقه تصور می‌کنند؛ مانند ایران، از دولت‌های منطقه دعوت به عمل آورده است.

دوم) دولت امریکا چندین بار از عربستان سعودی و دولت‌های توانمند منطقه خواستار پرداخت کمک‌های مالی و حمایت از ایجاد این شکل شده است تا پس از آن عربستان سعودی و دولت‌های منطقه برای تأمین منافع امریکا و به هدایت آن، به تمویل این پروژه پرداخته و سلاح‌های بیشتری را از امریکا خریداری نمایند.

اهداف دیگری که امریکا از ایجاد این شکل دارد:

1. این که ایران به عنوان دشمن اصلی دولت‌های عربی در نظر گرفته شود، نه دولت یهودی تا پس از آن این رژیم را پذیرفته و وجودش را در قلب منطقه‌ای عربی و اسلامی هضم نمایند.

2. فراهم شدن مقدمات راه‌اندازی سیلی از اقدامات عادی‌سازی روابط جدید با دولت یهود، مقدماتی برای به رسمیت شناختن آن، به بهانه‌ای اشتراک با دولت‌های عضو این شکل در حاشیة بحر سرخ و به بهانه‌ای نزدیکی آن به پروژه‌های بزرگ گردشگری عربستان سعودی؛ چون شهرک "نیوم"، که راه‌اندازی آن با هزینه‌های افسانه‌ای در سال گذشته اعلام گردید.

3. جمع کردن پایگاه‌های نظامی فرانسوی و چینی از جیبوتی و تبدیل بحر سرخ به دریاچه‌ای کاملاً امریکایی، از طریق به حداقل رساندن فعالیت‌های این پایگاه‌ها، به دلیل عضویت داوطلبانه جیبوتی و یا عضویت با اکراه آن در این شکل امریکایی.

اما در خصوص ایتوپیا و اریتریا نباید این را ناگفته گذاشت که این دو دولت در حالی که وابسته به امریکا می‌باشند، امریکا مانند انگلیس این دو دولت را غیرعربی و غیرمسلمان می‌شمارد، بنابر این عضویت آن‌ها را در تشکیلی که اعضای آن آمیخته با ملیت‌های عربی و مسلمان است، سازگار نمی‌داند. امریکا دوری و فاصله‌ای این دو دولت را به طور کلی از اعراب و مسلمانان‌ها ترجیح می‌دهد.

علاوه بر این، اریتریا دارای برخی از جزایر کوچکی می‌باشد که در بحر سرخ با ترکیه، قطر، دولت یهود و امارات عربی همسایگی دارد، لذا با طبیعت این تشکل سازگار نمی‌باشد. همان‌طور ایتوپیا، که در حمایت از حوثی‌های یمن برای خدمت به پروژه‌های امریکایی، با ایران همکاری داشته و عربستان سعودی آن را به بودن مرکزی برای ایران در منطقه متهم می‌نماید، واقعیت آن با واقعیت این تشکل نیز همخوانی ندارد؛ واقعیتی که بیشتر تحت خطاب عربستان سعودی که ضد ایران است، قرار دارد تا دیگر اعضای تشکل.

نتیجه‌گیری: این تشکل مزدور یک پروژه امریکایی می‌باشد که هدف آن متمرکزسازی نفوذ امریکا در بحر سرخ از طریق پرکردن این خلاء جیوپولیتیک منطقه بحر سرخ به وسیله دولت‌های وابسته به امریکا است. بدین وسیله دولت‌های منطقه در میان خود برای بیرون راندن و یا تضعیف ساختن هرگونه نفوذ غیرامریکایی در منطقه آرایشی را ایجاد می‌کنند. این دولت‌ها با تمام توان خود به نمایندگی از امریکا در گسترش تسلط آن در منطقه تلاش نموده و به هزینه مسلمان‌ها قدرت امریکا را افزایش می‌دهند. مسلمان‌ها را از دشمن واقعی آن‌ها منحرف ساخته ملیت‌های اسلامی را به دشمنان قسم‌خورده تقسیم می‌کند؛ تفرقه میان امت را بیشتر دامن زده، شوکت امت را درهم کوبیده توان و انرژی امت را از آن می‌گیرد و سرمایه‌های امت را به باد داده آن‌ها را به چیزی که برای‌شان هیچ سودی ندارد، مصروف می‌سازد.

تنها راه نجات امت آمیخته شدن این دولت‌ها در دولت واحد اسلام می‌باشد و بس؛ دولتی که تسلط اسلامی را برحوزه بحر سرخ به عنوان یک حوضه کاملاً اسلامی و دریاچه کاملاً اسلامی فراهم خواهد کرد؛ دریاچه‌ای که هیچ جایی برای امریکا و دیگر کشورهای خائن در آن نبوده و تمام سواحل، بنادر، جزایر و آبراه‌های آن ملکیت امت اسلامی خواهد بود.

**برگرفته از جریده الرایه**

**نویسنده: أبوحمزة الخطوانی**

**11 ربیع الثانی 1440 هـ.ق**

**19 دسامبر 2018 م**